

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه علمی زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه:

شکل شناسی یوسف و زلیخای جامی

استاد راهنما:

دکتر آذرمیدخت رکنی

استاد مشاور:

دکتر محمد شکرایی

نگارش:

آزاده رحیم پور

تیر ماه ۱۳۸۹

بسمه تعالی




تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان: *سنگ سانس بر سب و زیبایی جامی*

که در مرکز اهواز تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تایید می باشد. تاریخ دفاع: ۱۶/۴/۸۹

نمره: ۲۰ درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
آرزو بیفت ری	استاد راهنما	ارت ری	
محمد کرمان	استاد مشاور	س	
محمد رضایی دست آروز	استاد داور	اسکادریار	
	نماینده گروه علمی		
الی سرمدی	نماینده تحصیلات تکمیلی		



دانشگاه خوزستان
بزنجان

صورتجلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد خانم / آقای: آرزو احمدی

شماره دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی به شماره دانشجویی: ۸۴۷۱۰۳۱۶۵۸

عنوان: شکلی‌شناسی رسم‌نویسی در خط نستعلیق

با حضور هیات داوران در روز: ۱۵ شهریور ۱۳۹۷ مورخ: ۱۲ شهریور ۱۳۹۷ ساعت: ۱۲

در محل تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور استان خوزستان مرکز اهواز برگزار شد و پس از

بررسی، پایان نامه مذکور با نمره به عدد: ۲۰ به جروف: ب با

درجه: عالی مورد تایید واقع شد.

ردیف	نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	امضاء
۱	آذر میرزایی	استاد راهنما	استاد	
۲	محمد گلستان	استاد راهنما همکار		
۳	محمد گلستان	استاد مشاور	استاد	
۴	محمد رضا قزاقی	استاد داور	استاد	
۵	الهام مریدی	نماینده تحصیلات تکمیلی دانشگاه / گروه		

تقدیم به :

همراه همیشگی

9

دلبندم پرهام

سپاسگزاری

از خانم دکتر آذرمیدخت رکنی که شیوه های نوینی در فهم معارف به من آموختند کمال تشکر و سپاسگزاری را دارم. بدون شک نوشتن این پایان نامه جزء به مساعی والا و همت بی ادعای ایشان ممکن نبود. از استاد مشاور جناب آقای دکتر محمد شکرایی که افتخار کسب معارف را از چشمه ی زلال علم و دانش خویش به من ارزانی داشتند کمال تشکر را دارم. از دیگر اساتید گرانقدر گروه زبان و ادبیات فارسی که در طول تحصیلم با کمال تواضع از سخنان گهربارشان سود جستیم و علاوه بر آموختن علم و دانش از آنها درس اخلاق، انسانیت و مسؤلیت پذیری آموختم سپاسگزارم .

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

چکیده

فصل اول

کلیات

۲	۱-۱ مقدمه
۵	۱-۲ نورالدین عبدالرحمان جامی
۸	۱-۳ شکل شناسی یا ساختارگرایی
۱۰	۱-۳-۱ ساختارگرایی چیست؟
۱۱	۱-۳-۱-۱ ایده ی نظام
۱۲	۱-۳-۱-۲ ایده ی کلیت
۱۲	۱-۳-۱-۳ ایده ی گشتار
۱۳	۱-۴ جایگاه ساختارگرایی
۱۴	۱-۵ برون ساخت
۱۵	۱-۶ ادبیات چیست؟
۱۶	۱-۷ درآمدی بر ادبیات داستانی
۱۷	۱-۸ مطالعه شکل شناسی داستان و ادبیات

داستانی

- ۱۸ ۹-۱ داستان حضرت یوسف
۲۲ ۱۰-۱ ویژگیهای یوسف و زلیخا
۲۳ ۱۱-۱ یوسف و زلیخای جامی

فصل دوم

- ۲۹ ۲-۱ خلاصه ی داستان
۴۱ ۲-۲ اپیزود

فصل سوم

- ۴۳ ۳-۱ موضوع و درونمایه
۴۷ ۳-۱-۱ مراحل وصول عاشق به معشوق از
نظر جامی
۴۸ ۳-۲ پندار
۴۸ ۳-۲-۱ ویژگی پندارها در یوسف و زلیخا
۴۹ ۳-۲-۲ پندارها در این منظومه
۴۹ اهمیت شب در نزد عارفان
۵۰ اصل خوب
۵۰ فنا شدن در راه عشق
۵۰ پنهان کردن راز
۵۱ سجده کردن تنها بر معبود پسندیدنیست
۵۱ توجه خاص عاشق به معشوق
۵۱ عشق پنهان شدنی نیست
۵۱ زیبایی های این دنیا نمودی از زیبایی
حق
۵۲ از ظاهر و صورت گذشتن
۵۲ اعتقاد به تقدیر
۵۲ نکوهش غمازی
۵۳

۵۳	مکر و کید زنان و نکوهش آنان
۵۳	مرگ
۵۳	اعتقاد به بخت و اقبال
۵۴	مشورت کردن
۵۴	صبر داروی هر دردی است
۵۴	لیاقت عشق
۵۴	ضرا و سرا ملازمند
۵۴	اصل بر کشش است نه بر کوشش
۵۵	عشق و ملامت ملازمند

فصل چهارم

۵۷	۴-۱ طرح (پیرنگ)
۶۰	۴-۲ ویژگیهای طرح در داستان یوسف و زلیخا
۶۴	۴-۳ ساختار طرح در داستان یوسف و زلیخا
۶۵	۴-۳-۱ شروع
۶۶	۴-۳-۲ ناپایداری
۶۶	۴-۳-۲-۱ کشمکش و جدال
۶۸	۴-۳-۳ گسترش
۶۸	۴-۳-۴ تعلیق
۶۹	۴-۳-۵ نقطه ی اوج داستان
۷۰	۴-۳-۶ گره گشایی
۷۱	۴-۳-۷ پایان

فصل پنجم

۷۳	۵-۱ شخصیت
۷۴	۵-۲ تعریف شخصیت
۷۶	۵-۳ شیوه های شخصیت پردازی

۷۶	۵-۴ طبقه بندی شخصیت ها
۷۸	۵-۴-۱ شخصیت های واقعی یا طبیعی
۸۶	۵-۴-۲ شخصیت های مابعدالطبیعی

فصل ششم

گفتارها

۹۰	۶-۱ گفتار
۹۱	۶-۲ ویژگی گفتارها در یوسف و زلیخا
۹۲	۶-۳ طبقه بندی گفتارها در یوسف و زلیخا
۹۲	۶-۳-۱ تک گویی ها (مونولوگ ها)
۹۳	با خود سخن گفتن
۹۳	فرمان
۹۴	نیایش
۹۵	گلایه
۹۶	سرزنش کردن
۹۶	۶-۳-۲ گفت و شنودها
۹۶	گلایه و درد دل
۹۷	زنهار خواهی
۹۸	مجادله
۹۸	نصیحت کردن
۹۸	طنز و مسخره
۹۹	معذرت خواهی زنان مصری
۹۹	تعبیر خواب
۹۹	درخواست یوسف
۱۰۰	بیان تقاضا

۱۰۱	۳-۳-۶ و صفهای داستانپرداز
۱۰۳	وصف چاه
۱۰۳	وصف حال زلیخا
۱۰۴	وصف حال زلیخا پس از خواب دیدن
۱۰۵	وصف دایه
۱۰۵	وصف یوسف از زبان زلیخا
۱۰۵	وصف حال زلیخا
۱۰۶	وصف حال زلیخا پس از خریدن یوسف
۱۰۶	وصف حال زلیخا پس از زندانی شدن یوسف
۱۰۷	وصف حال یوسف
۱۰۷	وصف حال عزیز مصر در زمان دیدار یوسف
۱۰۷	وصف زیبایی یوسف
۱۰۸	وصف حال زلیخا لحظه ی دیدار یوسف
۱۰۸	وصف حال عاشقی زلیخا
۱۰۸	وصف شب
۱۰۹	وصف صبح

فصل هفتم

۱۱۱	۷-۱ کردارها
۱۱۱	۷-۲ طبقه بندی کردارها در منظومه ی یوسف و زلیخا
۱۱۱	الف. کردارهای طبیعی
۱۱۱	عشق و عاشقی
۱۱۲	التماس کردن
۱۱۳	یاری خواستن
۱۱۳	مهمانی دادن
۱۱۳	پنهانی رفتن عاشق به دیدار معشوق
۱۱۴	خواستگاری عزیز مصر
۱۱۴	

۱۱۴	عکس العمل زلیخا هنگام دیدن عزیز مصر
۱۱۵	دعا کردن
۱۱۵	سفارش کردن
۱۱۶	حسادت کردن
۱۱۶	به چاه انداختن
۱۱۷	خرید و فروش برده
۱۱۷	ملامت کردن
۱۱۸	سجده کردن
۱۱۸	رد کردن درخواست
۱۱۸	دست بردن
۱۱۹	اعتراف کردن
۱۱۹	درآوردن پیراهن
۱۱۹	بهانه
۱۲۰	رد تقاضا
۱۲۰	فریب دادن
۱۲۰	یکرنگ بودن ظاهر و باطن
۱۲۱	مشورت کردن برادران
۱۲۲	حسادت
۱۲۲	کمر بند بستن
۱۲۲	اعتراف کردن زلیخا
۱۲۲	راز گفتن
۱۲۳	چاره جویی
۱۲۳	غرور یوسف
۱۲۳	بی عدالتی
۱۲۴	افشای راز
۱۲۴	گله گزاری برادران یوسف
۱۲۵	ایمان آوردن زلیخا
۱۲۵	تهدید کردن
۱۲۵	تشویق کردن و برانگیختن
۱۲۶	عاشق شدن زنان مصر

۱۲۷	ب. کردارهای مابعدالطبیعی
۱۲۷	رؤیا
۱۲۷	رؤیای زلیخا بار اول
۱۲۷	رؤیای زلیخا بار دوم
۱۲۷	رؤیای زلیخا بار سوم
۱۲۸	رؤیای یوسف
۱۲۸	آگاهی غیبی
۱۲۹	تعبیر خواب
۱۲۹	سخن گفتن کودک سه ماهه جوان کردن

فصل هشتم

۱۳۱	۸-ازاویه ی دید
-----	----------------

فصل نهم

۱۳۴	۹-۱ محیط
۱۳۵	۹-۱-۱ زمان
۱۳۶	۹-۱-۲ مکان

فصل دهم

۱۳۸	
۱۴۱	۱۰-الحن

کتابنامه

چکیده

بررسی ساختاری روایت و داستان پیشرفت و کارآیی بسیاری داشته به طوری که امروزه کمتر نقدی را می توان سراغ گرفت که از کارکردهای ساختاری بی بهره باشد. اصطلاح «شکل شناسی» برگردان لغت «مورفولوژی» غربی است، این اصطلاح در ادب فارسی واژه ای جوان و تازه است و در باب مبحث شکل شناسی در حوزه ی ادبیات داستانی در کشور ما کارهایی اندک انجام شده است. این پایان نامه پس از بررسی مفهوم شکل شناسی و کاربرد ادبی آن و نقل آرای صاحب نظران نامدار این زمینه به شکل شناسی داستان یوسف و زلیخای جامی می پردازد. یوسف و زلیخا را می توان دارای دو بخش روایی دانست: الف: بخش اساسی داستان یوسف و زلیخا که در این بخش گزاره هایی مثل خوابهای سه گانه ی زلیخا محور اصلی داستان را تشکیل می دهند. ب: داستان دختری به نام بازغ. که هر یک از این بخش های داستانی دارای ساختاری مستقل است که از دیدگاه شکل شناسی مانند هر اثر روایی دیگر شامل اجزاء و عناصری است. بر این اساس ما با نگاهی شکل شناسانه بخش روایی داستان اصلی را مورد بررسی قرار داده ایم و داستان را از منظر شکل شناسی تجزیه و تحلیل کرده ایم.

کلید واژه ها: شکل شناسی، داستان، جامی، یوسف و زلیخا.

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

قصه پردازی در اقسام ادبیات حماسی، غنایی و تعلیمی به عنوان شیوه ای مؤثر به کار رفته است و در بیان حکمت، عرفان، دانش و برهان دستمایه ی شاعران و نویسندگان بوده است و اگر دقت کنیم بی می بریم که این شیوه در ادبیات ما از قرآن بسیار برخوردار شده است. قصه یوسف و زلیخا به صورت مضمونهای شاعرانه، حماسی، غنایی و تعلیمی در ادبیات ما مجال ظهور یافته است.

بیشتر داستانهای کهن خود نوپردازی داستانهای کهن تر بوده اند، یعنی مصالح خود را از قصه یا روایت هایی گرفته اند که خود شکل و محتوای خاص خود را دارا بوده اند. داستان یوسف از ساختار چندلایه ای تشکیل شده است که هر کدام به عنوان اپیزودهای مستقل به شکل حلقه ای، کلیتی جذاب و پرکشش را خلق می کنند که موجب تعلیق پذیری اثر می شود. از لحاظ ساختاری باید بگوئیم الگوهای ساختاری که در این روایت در کنار هم قرار گرفته و طرح واحدی را تشکیل داده اند هر یک به تنهایی الگوی ساختاری فراگیری هستند. این داستان از دیدگاه داستان سرایی و ساختار قصه یکی از پرمایه ترین داستانهای جامی است.

ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵ - ۱۹۷۰) به همراه ویکتور اشکولوفسکی و میخائیل باختین در حدود سال ۱۹۱۴ مکتب نوینی در مطالعه ادبی بنیان نهادند که بعدها فرمالیسم نامیده شد. پژوهشگران ادبی قبل از پراپ قصه ها را به واسطه شخصیتها یا محتوای قصه ها بررسی می کردند، اما پراپ اعتقاد داشت که همه قصه ها یک ساخت واحد دارند که از طریق کارهای اشخاص قصه قابل پیگیری است. این اندیشه بعدها ساختارگرایی و روایت شناسی ساختگرا را تحت تأثیر قرار داد. تأثیر اندیشه پراپ بر آرای دیگر پژوهندگان عرصه ی فرهنگ عامه تنها هنگامی ممکن شد که کتاب «ریخت شناسی قصه های پریان» وی به انگلیسی ترجمه گردید.

اسلوب پژوهشی که پراپ بنیاد گذاشته تقریباً یگانه اسلوبی است که پژوهندگان بعدی ناگزیر از حرکت در چارچوب آن بوده اند. پراپ روش شناسی مطالعه ی قصه عامیانه را با اسلوب مطالعاتی علوم فیزیک و ریاضی مقایسه می کرد و می اندیشید که هم چنانکه در علوم اثباتی اصطلاحاتی یکنواخت و

دسته بندیهای مشخص وجود دارد - که هر روز هم پرداخته تر می شود- در مطالعه ی قصه عامیانه نیز باید از روش آنها استفاده کرد. او در تبیین روش کارش سه نوع مطالعه را از هم تفکیک می کند:

الف) بررسی ترکیبی و شالوده شناسیک (مطالعه ساختمان قصه)

ب) بررسی فرایندهای دگرگونی (مطالعه تغییرات قصه)

ج) بررسی اصل و منشأ

وی مطالعه ی خود را از نوع اول می داند. نوعی معماری قصه که به منشأ آن کاری نداشته باشد.^۱ «پرواضح است که قبل از پاسخ گفتن به این پرسش که قصه از کجا می آید، نخست باید به این سؤال جواب داد که قصه چیست؟»^۲ می توان این نوع مطالعه را با تحلیلی که سوسور از زبان می کند، مقایسه کرد. تحلیل همزمانی در برابر تحلیل درزمانی؛ یعنی شیوه ای که سوسور با آن به مطالعه زبان پرداخت همان اسلوبی است که پراپ هم به کار گرفته است.^۳

مسأله ی بنیادین دیگری که پراپ بدان می پردازد، نحوه ی رده بندی موضوع مورد مطالعه است. پراپ معتقد است که رده بندی خود حاصل کارهای پژوهشی بسیاری است که در پایان کار به دست می آید. ولی عموم محققان ابتدا از موضوع، رده بندی به دست می دهند، سپس مواد کار را در قالب این رده بندی تحمیلی می گنجانند که این خود سبب خطاهای فراوان می شود.

به چاه افتادن یوسف، تعبیر خواب، قصه ی زلیخا، زندانی شدن یوسف و عزیز مصر شدن یوسف هر کدام هم به طور مستقل و هم به عنوان عنصری از عناصر تشکیل دهنده ی کل قصه به اندازه ی کافی جذاب است. به یقین بخش عمده ای از مخاطب پذیر بودن داستان یوسف به کارکردهای خود قصه برمی گردد.

در این منظومه بیشتر روند خیال به تصویر کشیده شده است. جامی به دلیل پرداخت اثر، تخیلات خویش را هم وارد اثر کرده است. او سنگ بنای داستان خویش را با دلدادگی زلیخا به یوسف در عالم خواب آغاز می کند. اما داستان این دلدادگی از یک عشق مادی فراتر می رود و به یک عشق عرفانی تغییر پیدا می کند. مبنای این روایت عرفانی و صوفیانه است. یعنی که عشق مجازی و زمینی در هر صورت آن مقدمه و پلی به سوی عشق حقیقی و آسمانی است.

روایت جامی روایتی بی نظیر از داستان یوسف و زلیخا است. جامی در این روایت به سراغ نقطه ی آغاز دیگری برای خود می رود که با عاشقانه های روایت خودش هماهنگ باشد. او اسباب عشق را آن

۱. خراسانی، محبوبه: «ریخت شناسی هزار و یک شب»، فصلنامه پژوهشهای ادبی، شماره ۶، ص ۱۹، ۱۳۸۳.

۲. پراپ، ولادیمیر: ریخت شناسی قصه، م. کاشی گر، ۱۳۶۸، ص ۲۰

۳. سوسور، فردینان دو: دوره زبانشناسی عمومی، ترجمه کوروش صفوی، ۱۳۷۸، صص ۲۰۳، ۱۴۵.

طوری که می خواهد می چیند و با به کار انداختن آن اسباب نتیجه ای را که خودش می خواهد می گیرد؛ یعنی در روایت جامی عنصر «شرارت» جای خود را به «نیاز عاشقانه» می دهد. در این منظومه موضوع عشق زلیخا در توالی حوادث داستان قرار نمی گیرد، زیرا همان گونه که بیان شد او پیشاپیش به شیفتگی زلیخا پرداخته، در نتیجه این عشق برجستگی قابل ملاحظه ای به داستان بخشیده است.

در این پایان نامه ابتدا در مورد جامی به اختصار توضیح داده ایم. سپس پیش از هر سخنی درباره ی عنوان پایان نامه، یعنی «شکل شناسی» توضیحاتی داده ایم تا از ابهامات و پیچیدگی های احتمالی بکاهیم. در فصل دوم نیز خلاصه ای از داستان یوسف و زلیخا را بیان کرده ایم. سپس مهم ترین عناصر داستان که عبارتند از: درون مایه، طرح، شخصیت، گفتار، کردار، زاویه ی دید، محیط و لحن را - که از دو کتاب «عناصر داستان» جمال میرصادقی و «از رنگ گل تا رنج خار» قدمعلی سرامی انتخاب کرده ایم - مورد بررسی قرار داده ایم.

۱-۲ نورالدین عبدالرحمان جامی

نام او عبدالرحمان، لقب نخستین او عمادالدین و لقب مشهور او نورالدین است. او در سال ۸۱۷ یعنی قرن نهم در «خرجرد» جام به دنیا آمد. ایام کودکی و تحصیلات ابتدایی او در نواحی و ایالت جام سپری شد. او در شعر ابتدا «دشتی» تخلص می کرد اما در حدود سیزده سالگی همراه پدرش به هرات رفت و در آنجا اقامت گزید و از آن زمان به جامی شهرت یافت.^۱

او علی التحقیق در فن شعر و شاعری شهره ی روزگار و استاد مسلم زبان فارسی بود و به حق به خاتم الشعراء لقب یافته است. این لقب به دو دلیل شایسته ی اوست: اول اینکه دستگاه شعر و شاعری به اسلوب اساتید قدیم خراسان و فارس و عراق به مرگ او برچیده شد و تا قرن سیزدهم ستاره ی درخشانی همانند او در افق ادب فارسی طلوع نکرد. دوم اینکه او عرفان ایرانی را که در عهد وی به ابتذال گراییده بود در پایه و اساسی عالمانه نگاه داشت.^۲

قدرت او در بیان تعالیم افکار صوفیانه و مهارتش در ترجمه ی مضامین عربی به شعر فارسی قابل توجه است. با این همه نمی توان وی را شاعری قوی، مبتکر و آفریننده شناخت، زیرا هیچان و شوری که در سخن شاعران واقعی هست در کلام این مئلاهی مدرسه دیده نمی شود و آنچه که نام وی را در شاعری بلند آوازه کرده ظاهراً شهرت دانش و جاه او بود.^۳

زرین کوب می گوید: جوانی جامی در لابلای اوراق کتابهای اهل مدرسه تباه شد. او می گوید اگر در وجود وی قریحه ی واقعی بود آن را در خاموشی خانقاه ها و در غوغای مدرسه گم کرده بود. در واقع شاعری او یک نیاز درونی و یک حاجت روحانی نبود، بلکه نوعی تفنن و تمرین طالب علمانه بود. محرک وی درد و شوری نبود که با طوفان و جهش الهام و هیچان بیرون بریزد و به شعر تبدیل شود، بلکه فکر طبع آزمایی و قدرت نمایی مئلاهی بود که در قلمرو شعر نیز - مثل قلمرو علم - نمی خواست هیچ کس را برتر از خود ببیند. از این روست که شعر وی غالباً جز تقلید کلام استادان کهن چیزی نشد.

توجه به صنعت و اصرار در اطناب، شعر او را غالباً ملال انگیز کرده است. در حقیقت کلام او از آن لطیفه ای که شعر واقعی است غالباً خالی است و از شعر جز صورت ظاهری ندارد؛ یعنی شعر او شعری نیست که مثل سیل تیره و خروشانی بجوشد و از میان صخره ها و سنگهای وحشی کوره راههای بدعت راه تازه ای پدید آورد، بلکه سخنی است روشن اما آرام و بی سرو صدا، مثل جویباری که از دشت هموار می گذرد حرکت می کند و در بستر شناخته ی سنتهای کهن راه خود را پیش می گیرد. شعر او بی عیب و بی رمق است.^۴

^۱ . جلالی، مجید: عارف جام، ۱۳۸۴، ص ۱۵

^۲ . صفی نیا، نصرت: هزار سال آغاز سخن در شعر پارسی، ۱۳۸۱، ص ۲۱۶

^۳ . زرین کوب، عبدالحسین: باکاروان حله، ۱۳۴۳، ص ۲۹۴

^۴ . همان، ص ۲۹۴

اشعار جامی پای بند تخیلات شعریه و مضامین متداوله ی شاعرانه است. او از علما، عرفا، شعرا و نویسندگان بزرگ ایران است. او خود پیشوای طریقه ی نقشبندیه بود و این سلسله را در ایران و خاک عثمانی رونق بخشید.^۱

ویژگی مهم شعر او منتخب بودن الفاظ و استحکام عبارات آنهاست.^۲ در سخن او افراط و تفریط های معاصران دیده نمی شود. آثار او از پنجاه مجلد تجاوز می کند. در گفته هایش اشاره هایی به آموخته های خود دارد که نشان از هوش و استعداد او در فراگیری دانش های مرسوم زمانه است. او آخرین شاعر بزرگ سبک عراقی است که هم در شعر و هم در نثر از بزرگترین ادبای ایران به حساب می آید. همان طور که گفتیم او دارای هوش و استعداد فراوانی در فراگیری دانش های مرسوم زمانه بود.^۳

او در محیط حکمرانی تیموریان هرات مانند آفتابی بود که به هر طرفی نور می پاشید و در قدرت کلام و شعر، مقام عرفانی، صلاحیت و نزاکت کلام ماندنی نداشت، از همین رو از شاه تا گدا به او احترام می گذاشتند و مجذوب او بودند.^۴

بیشتر حکایات عاشقانه ی او از جمله لیلی و مجنون، یوسف و زلیخا و ... زمینه ی پرورش اندیشه های عرفانی هستند، به همین دلیل او آنها را با زبانی نرم، لطیف، دلنواز و شاعرانه بیان کرده است. قریحه ی لطیف او تناسب را احساس کرده و همین سبب شده است که او این حکایات را با کلمات، ترکیبات و تصویرهای تازه و نو همراه کند.

او در شاعری تا حد زیادی نظر به امیرخسرو دهلوی داشت. او در غزل به سعدی، حافظ، سلمان ساوجی و کمال خجندی توجه داشته اما در نظم هفت اورنگ بیشتر از همه ی گویندگان به نظامی نظر داشته است. غزلیات او در بیان مطالب عارفانه و عاشقانه است. جامی بسیاری از غزلهای حافظ را جواب گفته و یا تضمین کرده است. او در آوردن ترکیب ها، قافیه ها و وزن ها به خواجه حافظ توجه خاصی داشته است. به آثار مولانا نیز سخت دلبستگی داشته، چنانکه مثنوی سلامان و ابسال را به وزن مثنوی معنوی مولانا سروده است و چند بیت نیز از او تضمین کرده است. او در مثنوی سبحة الابرار نیز حکایتی درباره ی این بیت معروف سعدی بیان کرده است.^۵

برگ درختان سبز در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

«جامی در عهد خویش برای مردمان خاور نزدیک و میانه، خصوصاً برای ادیبان - به واسطه ی دو جهت فعالیت خود - چون پیشوا شناخته شده بود:

^۱ . بهار، محمدتقی: سبک شناسی، جلد ۳، ۱۳۸۴، ص ۲۲۴

^۲ . جلالی، مجید: همان، ص ۸۳

^۳ . برقیعی، الهه سادات، ۱۳۸۴، ص ۵

^۴ . جلالی، مجید: همان، ص ۴۰

^۵ . همان، ص ۱۰۳-۹۷